

اصطلاحات حقوقی

(فرهنگ مختصر حقوقی)

شامل اصطلاحات و لغات حقوقی و کیفری

ابراهیم مشعوف

سرشناسه	: مشعوف، ابراهيم، ۱۳۴۸ -
عنوان و نام پدیدآور	: اصطلاحات حقوقی: (فرهنگ مختصر حقوقی) شامل اصطلاحات و لغات حقوقی و کیفری / ابراهيم مشعوف.
مشخصات نشر	: تهران: اندیشه سبز نوین، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۲۸۵ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۰۶-۷۱-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
عنوان دیگر	: فرهنگ مختصر حقوقی: شامل اصطلاحات و لغات حقوقی و کیفری.
موضوع	: حقوق - اصطلاح‌ها و تعبیرها
موضوع	: Terminology - Law
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ الف۵م/ KMH۵۰
رده بندی دیویی	: ۰۳/۳۴۰
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۱۲۲۳-۳

نام کتاب : اصطلاحات حقوقی

کتاب مؤلف : ابراهيم مشعوف

صفحه آرا : مریم رحیمی

ناشر : اندیشه سبز نوین

ناشر همکار : اندیشه عصر

شمارگان : ۵۰۰ نسخه

نوبت چاپ : دوم ۱۳۹۷

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۸۱۰۶-۷۱-۵

قیمت : ۳۵۰۰۰ تومان



مرکز بخش: اندیشه سبز نوین

تهران - میدان انقلاب - خیابان عنبری جاوید (اردیبهشت)

ساختمان اردیبهشت - پلاک ۷۱ - طبقه اول (مشعوف)

سندوق پستی ۱۳۱۴۵-۱۷۱۵

تلفن: ۶۶۴۶۳۵۱۸ دورنویس: ۶۶۹۷۳۲۷۸

www.andisheasr.com

www.bookeshop.ir

فرهنگ مختصر حقوقی که پیش رو دارید، سعی شده از اصطلاحات و مفاهیمی استفاده شود که واکت ضمن استفاده علمی محققین و دانشجویان حقوق، قابلیت استفاده برای عموم را نیز داشته باشد. لذا سعی شده در نگارش این کتاب از عبارات و مفاهیم قابل درک برای عموم استفاده شود. بدین نکته نیز قابل ذکر می‌باشد که این فرهنگ در مقیاسی گسترده در حال تدوین نهایی می‌باشد و به لحاظ برخی محدودیت‌ها، فعلاً چکیده‌ای از آن به زیور طبع آراسته شده است. انشاءالله در آینده نیک شاهد چاپ کامل این مجموعه نیز خواهیم بود.

با امید به اینکه کتاب حاضر بتواند، جوابگوی گوشه‌ای از مطالبات علمی دانشجویان و سایر محققان عرصه حقوق باشد، تذکر ایرادات و اشتباهات از سوی افرادی که زحمت مطالعه این کتاب بر خود هموار می‌کنند، موجب سپاس فراوان خواهد بود.

الف

آئین دادرسی

مجموعه‌ای است از مقررات که به منظور رسیدگی به مراجعات یا شکایات (قضائی و اداری) یا درخواست‌های قضائی (مانند درخواست در امور حسبی) و مانند آنها وضع و بکار می‌رود مانند آئین دادرسی مدنی (یا اصول محاکمات حقوقی) و آئین دادرسی کیفری و آئین دادرسی اداری و جز این‌ها.

آئین دادرسی تجاری

رشته‌ای است از حقوق خصوصی داخلی که مربوط به رسیدگی به دعاوی ناشی از اعمال تجارتنی است. در همین معنی اصطلاح آئین دادرسی بازرگانی هم بکار می‌رود.

آئین دادرسی کیفری

رشته‌ای است از حقوق عمومی داخلی برای کشف جرم و رسیدگی به آن و تطبیق مجازات مرتکب با قانون و برای تعیین تشکیلات دادگاه‌های کیفری و صلاحیت آنها و مقررات طرح دعوی کیفری و صدور حکم.

آئین دادرسی مدنی

رشته‌ای است از حقوق داخلی هرملت که از سازمان‌های قضائی و قواعد راجع به دعاوی مدنی بحث می‌کند.

آئین نامه

آئین‌نامه (Reglement) یا نظام‌نامه عبارت است از مقررات کلی که توسط مراجع اجرائی قانون بمنظور اجراء وظائف اجرائی و تحقق بخشیدن به آنها وضع شده باشد و شامل آئین نامه‌های مصوب پارلمان نمی‌باشد. آئین‌نامه مصوب پارلمان داخل در مفهوم قانون به معنی اعم که شامل کلیه مصوبات کلی پارلمان است می‌شود.

آئین نامه اجرایی

آئین نامه‌ای که برای اجرای یک قانون مقرر می‌شود. ممکن است آئین نامه اجرایی را خود مجلس و یا دولت مقامات اداری کشور در حدود صلاحیتی که دارند تهیه و به معرض اجراء بگذارند.

آئین نامه مستقل

آئین نامه‌ای که مقام رسمی صلاحیتدار در حدود اختیار خود و بدون اینکه بمنظور اجراء قانون معینی قوانین موضوعه باشد، وضع کند.

آبهای ساحلی

از منظر حقوق بین الملل عمومی قسمتی از دریا که بمفاصله دوازده مایل دریایی از خط مبدا ساحلی (از حد پست ترین جزر و موازی با آن در طول سواحل ممتد) می‌باشد.

اباحه

اباحه چیزی بمعنی اجازه تملک یا ارتکاب فعل یا مصرف و اخذ چیزی است (ماده ۹۲ ق-م). در اصطلاحات ذیل بکار رفته است.

اباحه تملک

یعنی اجازه تملک. این اجازه را گاهی مقنن مستقیماً می‌دهد مانند اجازه تملک مباحات در ماده ۱۴۷ ق-م و گاهی ناشی از قصد انشاء مالک است.

اباحه منافع به عوض

هرگاه منافع چیزی (بطور عام که شامل کار اجیر هم باشد) در مقابل عوض (معین یا غیر معین) مبادله شود و این مبادله جائز (نه لازم) باشد آنرا اباحه منافع بعوض گویند پس اگر کسی به برابر بگوید این چمدان را بفلان مقصد برسان و او هم برساند و مزدی بگیرد این را اباحه منافع بعوض گویند.

ابراء

چشم پوشی اختیاری بستانکار از طلب خود. ابراء از ایقاعات است و لازم است. (ماده ۲۸۹ قانون مدنی).

بشکل رسمی (خواه از اوراق دعوی باشد خواه از اوراق اجراء احکام یا اجراء اسناد لازم الاجراء و غیره) اطلاع شخصی یا اشخاص معین یا رعایت تشریفات قانونی مخصوص.

ابلاغ قضایی است (رک . ابلاغ قانونی)

هر گونه ابلاغی که مطلق مقررات قانون بوده ولی بصورت ابلاغ واقعی نباشد اصطلاحاً ابلاغ قانونی یا ابلاغ غیر قضایی می‌شود (ماده ۱۷۵ آئین دادرسی مدنی)

ابلاغ به شخص محکوم علیه (یا بطور کلی ابلاغ بشخصی که غرض از ابلاغ، اطلاع دادن به او است) یا وکیل او. (ماده ۱۷۵ آئین دادرسی مدنی).

اجباری است که ایجاب و قبول (یا فقط ایجاب یا قبول) آن غیر لفظی گفته‌اند در اجاره خدمات اجاره محکمی غیر قابل تصور است.

مدت حاکمی از وقوع عقد اجاره.

اجاره نود و نه ساله

اجاره‌های طولی‌المدت را با این رقم مشخص می‌کنند در نکاح منقطع هم مدت نود و نه ماله معین می‌شود.

تأثیر رضایت شخصی که قانون رضای او را شرط تأثیر عقیدای ایقاعی دانسته است که از دیگری (خواه مالک بکنند خواه مالک، اما محجور باشد مانند سفیه) صادر شد است مشروط بر اینکه رضایت مزبور بعد از صدور عقیدای

ایقاع مذکور صادر شود، اگر پیش از آن صادر شود آنرا اصطلاحاً اذن نامند گاهی بطور عام و با تسامح اجازه را اعم از اذن و اجازه بمعنی بالا بکار می‌برند و این استعمال از اغلاط است.

اجازه کاشف

در هر مورد که عقد موقوفی (یعنی عقد غیرنافذ) واقع شده باشد نفوذ آن حاجت با اجازه دارد و اگر اثر اجازه نقل خصوص ملک (از حین عقد موقوف) باشد نه منافع و یا اثر اجازه حکایت از نقل ملک و منافع از حین وقوع عقد موقوف کند آن اجازه را کاشف گویند و اگر اثر اجازه نقل ملک و منافع از حین اجازه باشد آنرا اجازه ناقل نامیده‌اند.

اجبار معنوی

اجبار مجرم از طریق کیفیات روانی مانند اغواء و اقناع توأم با تهدید و ترس. اجبار مادی.

اجتهاد

استخراج مسائل قضائی و شرعی از ماخذ و منابع آن مانند نص قانون (یعنی قرآن و حدیث) و اجماع و عقل. " الاجتهاد رد الفروع الی الاصول " مقصود از فروع همان مسائل قضائی و شرعی است و مقصود از اصول منابع و ماخذ قانون است. پس اجتهاد بمعنی صاحب نظر شدن در فقه اسلامی است.

اجداد

هر یک از ابویں پدر متوفی و ابویں مادر متوفی تا هر جاکه بالا رود عنوان جد را دارد و جمع آن اجداد است و شامل ذکور و نثان می‌شود. (ماده ۸۶۲ قانون مدنی)

اجراء

در اصطلاح بکار بردن قانون یا بکار بستن احکام دادگاهها یا مراجع رسیدگی اداری یا اسناد رسمی را گویند. در اصطلاحات ذیل بکار رفته است:

اجراء احکام

گاهی به معنی اجراء حکم دادگاه (دادگاههای عمومی و یا اختصاصی) و گاهی بمعنی اجرای رأی دادگاه (اعم از حکم و قرار) بکار می‌رود.

اجراء اسناد رسمی

اجراء اسناد تنظیم شده بوسیله ادارات ثبت و دفاتر اسناد رسمی و سایر مأموران دولت در حدود صلاحیت و بروفق مقررات. (ماده ۹۲-۹۳ قانون ثبت.)

براه مالیاتی

هرگاه مودی مالیات ازدادن مالیات قطعی خودداری کند اداره دارائی می تواند طبق آئین نامه مبنی بر اساس نیرت اجرایی ثبت اقدام به اخذ مالیات کند.

براه موقت

عاجزاجراء حکمی گفته می شود که به مرحله قطعیت نرسیده ولی بطوراستثناء ودرحدود موارد مصرح درقانون وبتأجرازمی شود.

ضمانت اجراء

تقد- قهرنی که برای بکار بستن قانون یا حکم دادگاه از آن استفاده می شود به همین معنی است اجراء در قوه جریه که یکی از قوای سه گانه مملکت است. (رک . قوه مجریه)

ب- عکس العمل قانونی تخلف از یک دستور قانونی مثلاً قانون مقرر داشته که عاقد باید کبیرورشید باشد پس اجرائی شرط کبر بطلان معامله است وضمن اجرائی شرط رشدعدم نفوذ معامله می باشد یعنی معامله با ضرر بطل است و معامله با غیررشید غیرنافذ. عدم نفوذ و بطلان دو قسم از اقسام مختلف ضمانت اجراء بمعنی بید می باشد.

اجرائیه

وقتی است رسمی که تحت تشریفات خاص قانونی در مراجع قضائی یا اداری خاص تهیه و متضمن دستور اجراء یک دادگاه یا مقام لازم الاجراء یا دستور قانونی معینی است مانند اجرائیه احکام و قرارهای بدگنجیا و اجرائیه اسناد رسمی لازم الاجراء و اجرائیه مالیات یا عوارض شهرداری و غیره. در اصطلاح دیگر آنرا برگ اجرائی و برفه اجرائیه می نامند.

اجرائیه ثبتی

اجرائیه ای که ادارات ثبت اسناد و دفتر خانه ها مطابق مقررات ثبت صادر می کنند (ماده ۹۲-۹۳ قانون ثبت-۱۳۰۷) در مقلل اجرائیه دادگاه بکار می رود.

اجرائیه دادگاه

اجرائیه ای که محاکم عمومی یا اختصاصی پی از رسیدگی و صدور حکم قطعی لازم الاجراء یا حکمی که موقتاً قابل اجراء است صادر می کنند. (ماده ۴۱۷ قانون تجارت)

اجرائیه سند ذمه‌ای

اجرائیه‌ای است ثبتی (ر.ک. اجرائیه ثبتی) که براساس آئین‌نامه اجراء اسناد رسمی لازم‌الاجراء صادر می‌شود و از آثار عمده آن قابلیت توقیف مدیون سند در صورت استنکاف از اداء دین است. ر.ک. سند ذمه‌ای

اجرائیه سند رهنی

مرادف اجرائیه سند شرطی است. (ر.ک. اجرائیه سند شرطی)

اجرائیه سند شرطی

درمقابل اجرائیه سند ذمی بکار می‌رود. اجرائیه سند شرطی براساس ماده ۳۴ قانون ثبت صادر می‌شود و دارای مختصاتی است از آن جمله که مدیون سند توقیف نمی‌شود بعکس سند ذمه‌ای.

اجرت

الف- در عقد اجاره خدمات عوض اقتصادی خدمت را اجرت نامیده می‌شود. (ماده ۱۴ شق-م)

ر.ک. ر زق ب مال الاجاره‌ها هم اجرت گویند در اینصورت این کلمه با لغت دیگر مرکب است مانند "اجرة المسمى" و "اجرة المثل"

اجرت المثل

الف- اگر کسی از مال دیگری منتفع شود و عین مال باقی باشد و برای مدتی که منتفع شده بین طرفین مال الاجاره‌ای معین نشده باشد آنچه که بابت اجرت منافع استیفاء شده باید به صاحب مال مزبور بدهد اجرت المثل نامیده می‌شود خواه استیفاء مزبور با اذن مالک باشد خواه بدون اذن او. در صورت اخیر، اجرت المثل جنبه خسارت را هم دارد.

ب- گاهی بمعنی عوض المثل است. (ر.ک. عوض المثل)

اجرت المسمى

اجرت مذکور در عقد اجاره را اجرت المسمى گویند.

اجیر

کسیکه خدمت و کار خود را در عوض مزد معامله می‌کند عقدی که بین اجیر و طرف او (مستاجر) واقع می‌شود "اجاره خدمات" نامیده می‌شود. (ماده ۵۱۴ ق-م) و از مصادیق عقد اجاره است.

احتکار

جمع آوری کالاهای بازرگانی به قصد و انتظار نایابی و کمیابی و فروش به قیمت گران. چنین شخصی را محکوم گویند. احتکاری که بزه است عبارت است از اینکه کسی کالای مورد احتیاج ضروری عامه را زیاده از مصرف خود داشته و برای جلوگیری از فروش بدولت یا مردم پنهان کند.

احضار

امر مرجع قضائی و یا مرجع صلاحیت دار دیگر به حضور مأمور در نزد او در موعد یا زمان معین. (ماده ۱۵-۱-۳۳۶-۴۰۷ آئین دادرسی مدنی).

احضار نامه Mandat de comparution

ورقه‌ای که در آن دادگاه یا قاضی امر به حضور کسی اعم از متهم یا مطلع یا گواه به دادگاه و مراجع قضائی کرده با شد ضمانت اجراء تخلف از این امر جلب به دادگاه و به مرجع دستور دهنده است.

حضاریه

مرادف احضار نامه است. (ماده ۱۰۹۵-۱۱۱ قانون آئین دادرسی کیفری). ر.ک. احضار نامه

احوال شخصیه

ترجمه اصطلاح *Etat des personnes* و اصطلاح *Statu to Etat* است که عبارت است از مجموع صفات انسان که به اعتبار آنها یک شخص در اجتماع دارای حقوق شد و آن حقوق را اجراء می‌کند مانند تابعیت و ازدواج و اسم و اقامتگاه و اهلیت و غیره. احوال شخصیه در معنی اخص، شامل اهلیت نیست (ماده هفتم قانون مدنی) مقصود از احوال در ثبوت احوال همین معنی است.

(ثبوت) احوال

ثبوت احوال شخصیه (از قبیل ولادت، فوت، ازدواج، طلاق، جنسیت، تابعیت) در دفاتر رسمی مخصوص که آنها را دفاتر سجلی یا دفاتر سجل احوال گویند.

اخذ به‌خیار

یعنی استفاده از حق خیار و اعمال حق خیار.